

ظرفیت نهاد حوزه‌ی علمیه در سیاست‌های جمعیتی کشور^۱

سیدمحسن میرسندوسی^۲

چکیده

کشور ایران طی چهار دهه‌ی گذشته در چالش جمعیتی، فراز و نشیب گوناگونی را از سر گذرانده است. دگرگونی نرخ باروری از ۶/۸ در دهه‌ی ۶۰ به نرخ ۱/۸ هم‌اکنون از یک سو و چالش‌های وابسته به مهاجرت‌های داخلی و خارجی از سوی دیگر، بایستگی‌هایی بود که به تدوین و ابلاغ سیاست‌های جمعیتی در سال ۹۳ به دست رهبری انجامید. گستردگی این سیاست‌ها افزون بر اینکه نیازمند راهبردهای اجرایی مستقیم است، نیاز به گونه‌ای برنامه‌ریزی فرهنگی میان نهادهای کارآمد در این زمینه را دارد. یکی از این نهادهای فرهنگی در ساختار اجتماعی ایران، نظام‌های حوزه‌های علمیه است که با دارا بودن بخش‌های توانمند در گستره‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگ‌سازی از راه تبلیغ دینی، می‌تواند نقش پویا و کارآمدی در این زمینه ایفا نماید. هرچند ورود جدی و سازمان‌یافته‌تر این نهاد با موانع داخلی و بیرونی روبرو است؛ ولی گویا با برنامه‌ریزی برای زدودن این موانع از یک سو و آگاهی از گنجایش انبوه این نهاد، می‌توان به کارایی مثبت آن امید داشت. این نوشتار تلاش داشته است، در کنار شناساندن گنجایش نهادی و بخشی حوزه‌های علمیه در تحقق سیاست‌های جمعیتی، به نمایاندن راهبردهایی در این باره پردازد.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌های جمعیتی، نهاد فرهنگی، حوزه‌ی علمیه؛ فرهنگ‌سازی، تبلیغ دینی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۴

۲. عضو هیئت علمی گروه قرآن و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ m.sondosi@isca.ac.ir

مقدمه

در ادبیات جمعیت‌شناسی، سیاست جمعیتی^۱ انبوهی از بنیادها، چاره‌جویی‌ها و اراده‌های نگاشته و گردآوری شده‌ی جمعیتی است که از سوی دولت‌ها در پیش گرفته می‌شود و گستره و حد و مرز تلاش‌هایی را که در پیوند با چالش‌ها و یا کارهایی که برآیندهای جمعیتی دارند، روشن می‌کند. آرمان سیاست جمعیتی، منطقی و هماهنگ‌سازی دگرگونی‌های جمعیتی با زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است تا رفاه و بهروزی بیشتر جمعیت را فراهم سازد (نقوی، ۱۳۸۷: ۵۸). به راستی این سیاست‌ها اندازه و چارچوب کنشگری‌های دولت‌ها و نهادهای وابسته را در پیوند با چالش‌های جمعیتی و یا کارهایی که برآیند جمعیتی را به دنبال دارند، تعیین می‌کند. در گذشته سیاست‌های جمعیتی در کشور تنها به آیین‌نامه‌های کاهش یا افزایش جمعیت کران‌مند می‌شد؛ ولی با گذشت زمان نگرش به پنداره‌ی کلیدی توسعه‌ی پایدار، انگیزه‌ای شده تا سیاست‌گذاران کارآمدی سازه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در تدوین این سیاست‌ها مورد توجه قرار دهند.

در سال ۱۳۹۳، رهبر انقلاب پس از مشورت و تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام و با دیدگاهی آینده‌نگرانه، بنیادهای چهارده‌گانه سیاست‌های کلی جمعیت را به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند.^۲ بررسی این سیاست‌ها نمایان‌گر آن است که در تدوین این سیاست‌ها، هر دو گونه سیاست‌های مستقیم و غیرمستقیم^۳ جمعیتی مد نظر قرار گرفته‌اند. دیدگاه کلان، فراگیر و همه‌جانبه در تدوین این سیاست‌ها، انگیزه‌ای شده است که نقش‌های گسترده‌ای را برای همه‌ی نهادها و دستگاه‌های کشور به وجود بیاورد، هرچند همه‌ی سازمان‌ها به فراخور سرشت بنیادین گستره‌ی کنشگری‌های خود، در ایفای نقش کارآمد در این زمینه یکسان نیستند. با اینکه بخش آغازین اجرای این سیاست‌ها، با برنامه‌ریزی مستقیم وزارت بهداشت در مان و آموزش پزشکی صورت می‌پذیرد؛ ولی گویا بهروزی در دستیابی به آرمان‌های ترسیم شده، نیازمند همکاری بیشینه و ورود مستقیم یا غیرمستقیم دیگر دستگاه‌ها به ویژه نهادهایی است که در زمینه‌ی فرهنگ‌سازی جامعه کنشگری می‌کنند؛ بنابراین برای پایان یافتن بهنگام و مناسب آرمان‌های سیاست‌های جمعیتی، باید به گنجایش دیگر دستگاه‌ها و به ویژه نهادهای فرهنگی، توجه بایسته انجام شود.

یکی از نهادهای کارآمد فرهنگی در کشور، سازمان حوزه‌های علمیه‌ی کشور است که افزون بر

1. Population policy

۲. متن کامل این سیاست‌ها در بخش پایانی نوشتار یادآوری خواهد شد.

۳. سیاست‌های جمعیتی از نگاه اجرا دو گونه‌اند. سیاست‌های مستقیم که کارایی بدون واسطه بر سازه‌های بنیادین جمعیتی دارد؛ مانند کران‌مندسازی قانونی فرزندآوری برای جلوگیری از افزایش جمعیت و سیاست‌های غیرمستقیم همانند تشویق و ایجاد زمینه‌ی تحصیلات عالی برای دختران که به مهار زاد و ولد و کاهش آن می‌انجامد.

ریشه‌های تاریخی آن در فرهنگ جامعه‌ی ایران، با دگرگونی‌های شگرف ساختاری، اداری و جایگاه اجتماعی آن پس از انقلاب اسلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای را در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایران رقم می‌زند. به راستی، آرمان‌آغازین و پرسش‌کلیدی ما در این نوشتار، بررسی نقش کارآمدی نهاد حوزه همچون بخشی از ساختار فرهنگی کشور در چالش جمعیتی است و تلاش خواهیم کرد با برشمردن گنجایش این نهاد آموزشی و فرهنگی هماهنگ با این چالش، به زمینه‌های انجام نقش پویا در تحقق سیاست‌های جمعیتی کشور پردازیم.

در این باره تلاش خواهیم کرد با واکاوی از درونمایه‌ی بندهای سیاست‌های جمعیتی که به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم با دامنه‌ی وظایف و گنجایش این نهاد وابسته است، افزون بر یادآوری برخی از موانع و چالش‌های پیش رو در این زمینه، به نمایاندن برخی از راهکارهای اجرایی پردازیم.

ادبیات موضوع

یکی از نهادهای سنتی کارآمد در چالش جمعیت به ویژه در پیش از دنیای مدرن، نهاد دین و مذهب بوده است. هرچند از دیدگاه کالدول^۱ این کارآمدی با پیدایش و گسترش اندیشه‌های سکولاریسمی پیوندی منفی داشته و در جوامعی که مذهب رو به سستی نهاده، در عمل کارایی معنی‌داری بر متغیرهای جمعیتی به ویژه باروری نداشته است (لوکاس و میر، ۱۳۹۳: ۱۰۱). در دهه‌های نه چندان دور، نقطه‌ی آغاز در پرداختن به نقش مذهب و نهادهای وابسته با آن، کار تحقیقی کلاسیک گلدشاید^۲ است که گویا نقطه‌ی عطفی در پژوهش‌های مذهبی در جمعیت و به ویژه باروری باشد (مک کوئیلان، ۲۰۰۴: ۲۵). مذهب از راه دستوراتی که برای حیات و مرگ پیروان خود می‌نمایاند، به سامانه‌ای از باورها، نگرش‌ها و اعمال اشاره می‌کند که در بین افراد آن گروه مشترک بوده و از این راه است که مذهب به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای جمعیتی افراد و جامعه کارآمد است (اکیتونند و دیگران، ۲۰۱۳: ۴۵۵ و شیربک، ۲۰۱۵: ۶). لوکاس و میر نمونه‌هایی از کارآمدی نهادی دین را در میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها یادآوری می‌کند. از دیدگاه او با اینکه دکترین کاتولیک رومی به گونه‌ای سنتی، از خانواده‌های بزرگ و بنابراین زاد و ولد بالا پشتیبانی می‌کنند، با این همه از دهه‌های پایانی قرن گذشته بیشتر کشورهای اروپایی با جمعیت کاتولیک، نیز با افزایش بهره‌گیری غیرمجاز از روش‌های جلوگیری بازداشته شده به دست کلیسا و کاهش باروری روبرو بوده‌اند و این به عینه نشان‌دهنده‌ی کاهش رهیافت نهاد مذهب در این کشورها بوده است (لوکاس و میر، ۱۳۹۳: ۱۰۲). طی همین سال‌ها در کشورهای با مذهب غالب پروتستان مانند امریکا نیز تفاوت معنی‌داری

1. Caldwell

2. Goldscheider



میان رفتارهای کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و حتی یهودیان در این زمینه دیده نشده است (گلدشایدر و موشر، ۱۹۹۱).

درباره‌ی اسلام، چگونگی آن تا اندازه‌ای ناهمسان‌تر است. اسلام دین اکثریت مردم نزدیک به ۴۶ کشور جهان است. نسبت جمعیت کشورهای مسلمان به خوبی مبین این راستینگی اساسی است که طی سال‌های نه چندان دور، دامنه‌ی بسیار گوناگون و گسترده‌ای از صاحب‌نظران و پژوهشگران به پژوهش درباره‌ی جمعیت مسلمانان در جوامع اسلامی و غیر اسلامی پرداخته‌اند (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۱۳: ۳). هرچند کارآمدی مذهبی در کشورهای مسلمان، تابعی از فرهنگ غالب و تراز توسعه‌ی این کشورهاست؛ ولی همان گونه که کیرک^۱ نشان داده است، باروری و مذهب برای مسلمانان بیشتر از هر گروه مذهبی دیگر، دارای همبستگی بوده است. او در تبیین این همبستگی به سازه‌هایی همچون: غالب بودن شیوه‌ی زیست‌مایه‌ی کشاورزی در بسیاری از کشورهای مسلمان، تشویق به ازدواج به ویژه در سنین پایین، جایگاه اجتماعی و تحصیلات پایین زنان در بیشتر این کشورها و سرانجام حرمت سقط جنین اشاره می‌کند (کیرک، ۱۹۶۶: ۵۶۱-۷). از جنبه‌ای دیگر طی واپسین سال‌ها، ابعاد جمعیتی مسلمانان همچون پرسمان مورد پژوهش طیف وسیع، گوناگون و فزاینده‌ای از پژوهشگران دنیا قرار گرفته؛ به گونه‌ای که امروزه حتی بسیاری از دانشگاه‌ها در کشورهای غیر اسلامی نیز دارای گروه‌های مطالعات اسلامی هستند. این دگرگونی‌ها و رویکردهای تازه را می‌توان تا اندازه‌ی بسیاری، زیر کارایی دو دسته از سازه‌ها تبیین کرد. دسته‌ی نخست، وابسته به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مسلمانان است که در هم‌سنجی با دیگر ادیان در جهان، بیشترین میزان رشد جمعیت جهان را طی دهه‌های آینده همچنان حفظ خواهند کرد. این روند خیره‌کننده‌ی رشد جمعیت مسلمانان حتی در اروپا، آمریکا و اقیانوسیه نیز رخ خواهد داد. دسته‌ی دوم، دل‌آزرده از فضا‌های برافروخته‌ی سیاسی، پس از رخدادهایی مانند یازده سپتامبر و موج اسلام‌هراسی^۲ در غرب است که در چارچوب «تنوری نابرابری و تبعیض مبتنی بر هویت فرهنگی دینی» مورد مطالعه قرار می‌گیرد (فروتن، ۱۳۹۴: ۶۲). با اینکه بخش بزرگی از پژوهش‌های جاری بر روی نقش نهاد دین و باروری متمرکز شده است؛ ولی بررسی دگرگونی‌های جمعیتی، تنها کران‌مند به این زمینه‌ی ویژه نیست. از نقش نهادهای رسمی و غیررسمی دین و مؤلفه‌های وابسته با آن در تبیین گونه‌های گوناگون پدیده‌های جمعیتی، بهره‌برداری می‌شود. پرسمان کارآمدی ارزش‌ها و هنجارهای دینی بر نقش‌های مردان و زنان، پیوندهای جنسیتی و رفتارهای باروری، جایگاه و استقلال زنان، موانع در مشارکت

1. Kirk

2. Islamophobia

اجتماعی و کنشگری‌های اقتصادی و اجتماعی آنها، از جمله چالش‌هایی هستند که بیشتر از این زاویه قابل واکاوی اند (لوپز و سابق، ۱۹۷۸: ۱۴۹۲).

پیشینه تحقیق

از میان نشانه‌های پدید آمده که به گونه‌ای مستقیم به پرسمان ما پرداخته باشند، می‌توان به نوشتار «تأثیر دین بر سیاست‌های جمعیتی و باروری» اشاره کرد. در این نوشتار پژوهشگر تلاش داشته است به دین همچون یکی از سازه‌های کارآمد در چالش‌های جمعیتی، به ویژه باروری روی آورد. بر پایه‌ی برآیندهایی که در این نوشتار بازتاب داده شده است، ادیان بنیادین اسلام، مسیحیت و یهود هرکدام به گونه‌ای به تشویق زاد و ولد پرداخته‌اند که [همین امر] به افزایش پیروان خود در مناطق تحت نفوذشان انجامیده است، هرچند زیر جریان نوسازی دگرگونی‌هایی در شیوه‌ی کارایی این ادیان بر باروری قابل نگرستن است (زارع و هاشمی، ۱۳۹۲). در نوشتاری دیگر با عنوان «نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در دگرگونی‌های جمعیتی» نویسندگان تلاش داشته‌اند، به کارآمدی همه‌جانبه‌ای از ساختارهای فرهنگی از جمله عنصر دین بر روی مؤلفه‌های بنیادین جمعیتی بپردازند. آنها در کنار بررسی نهادها و ساختارهای فرهنگی بر باروری و مهاجرت، به کارآمدی دین بر مرگ و میر پرداخته‌اند. از نظر آنها «تردیدی نیست که دین، به ویژه ادیان الهی به منزله‌ی یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی، بسته به جایگاه فرهنگی و اجتماعی بالقوه می‌تواند با بازسازی بینش‌ها، نگرش‌ها، آرمان‌ها، سبک‌های زندگی، الگوهای رفتاری، نظام ارتباطی، شیوه‌ی تعامل با راستی‌های زندگی ... بر سراسر زندگی از جمله جستار مرگ و میر کارایی تعیین‌کننده داشته باشد. این پرسمان در جوامع سنتی که دین در آنها نقشی برجسته (در مقایسه با جامعه‌ی مدرن) دارد، به روشنی مشهود است. از سوی دیگر، تیره‌ها و گروه‌های مذهبی گوناگون در یک جامعه نیز بیشتر به دلیل ناهمسانی در سبک زندگی دینی، ناهمسانی‌هایی در نرخ مرگ و میر دارند. برای نمونه، سایمون و برنشتاین نشان داده‌اند که میزان مرگ و میر برآمده از کزاز اطفال در میان هندوهای شمال هند بسیار بالاست و دلیل آن این است که این دسته از هندوها به سبب باورهای مذهبی خود، همواره از پهن گاو برای تطهیر منازلشان بهره می‌گیرند. گمان غالب این است که این الگوی زیستی، خود یکی از سازه‌های کارآمد در بروز بیماری کزاز و برآیندش مرگ و میر اطفال آنها بوده است (شرف‌الدین و چراغی، ۱۳۹۳: ۷۵ و حسینی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

طی چند دهه‌ی پایانی، کتاب‌های بسیاری از سوی حوزویان درباره‌ی چالش جمعیتی به نگارش درآمده است. شاید یکی از پربحث‌ترین این آثار، کتاب «کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین» نوشته‌ی سیدمحمدحسین حسینی طهرانی بوده است. این کتاب در سال ۱۳۷۳ در اوج اجرای سیاست‌های مهار جمعیت دولت وقت ایران، همچون یک نشانه‌ی اعتراضی منتشر گردیده است. همان گونه که از عنوان این کتاب برمی‌آید، پرسمان سیاست‌های کاهش جمعیت با چالش‌های

سیاسی گره خورده است. نویسنده بر پایه‌ی تفسیر آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی ممتحنه^۱ که خداوند زنان را از کشتن فرزندانشان نهی می‌کند، با در میان نهادن این پرسمان که در اسلام اجازه‌ی کشتن خود نیست، چه برسد به فرزند یا دیگری به بحث فقهی پیرامون حرمت سقط جنین و بکارگیری ابزارهای گوناگون که مانع جلوگیری از انعقاد نطفه می‌شود، پرداخته است. وی اجرای سیاست‌های مهار جمعیت در دهه هفتاد را ناسازگار با دیدگاه‌های علما و مراجع تقلید دانسته و آنها را برآیند رخنه‌ی نیرنگ‌گونه‌ی عناصر معاند با اسلام و شیعیان، در ارکان تصمیم‌گیری‌های وابسته به جمعیت می‌داند.

از سوی دیگر برخی از حوزویان با رویکردی ترازمندتر بسته به گفتار مهار مولید و اجرای سیاست‌های جمعیتی واکنش نشان داده و در این زمینه قائل به تفصیل شده‌اند. در نزد این گروه، صرف کمیت جمعیت و افزایش مولید در هر شرایطی نمی‌تواند مورد پذیرش باشد و آنچه از دیدگاه آنها تعیین‌کننده قلمداد می‌شود، کیفیت جمعیت از سویه‌های گوناگون است. سیدمحمد علی ایازی در کتاب «اسلام و تنظیم خانواده» در پاسخ به موافقان افزایش بی‌چون و چرای جمعیت که به آیات و روایات استناد می‌کنند، [چنین] بازگو می‌کند که مستندات یاد شده، بایستگی در کثرت جمعیت نیست و فرجام چیزی که از آنها بازنمایی می‌شود، گونه‌ای مطلوبیت افزایش است؛ بنابراین صرف راجح و شایسته بودن عملی، دلیل بر مطلق بودن آن در همه‌ی شرایط و زمان‌ها و مکان‌ها نیست. به خودی خود زمانی که پرسمان دگرگون می‌شود، حکم آن نیز دگرگون شده و چه بسا تکثیر نسل که در شرایطی دلخواه است، در شرایط ویژه‌ای ناپسند باشد (ایازی، ۱۳۷۴: ۳۴).

همچنین شهید محمدباقر صدر در کتاب «اقتصاد ما» با نگرش به سیاست‌های اقتصادی در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، باور دارد که در ممالک پرجمعیت، اقدامات ویژه‌ای هماهنگ با شرایط اجتماعی بایسته است که در ممالک کم‌جمعیت تجویز نمی‌شود (صدر، ۱۳۵۰: ۲۷۵).

بخش دیگری از کنشگری‌هایی که به ویژه از سوی نهادهای حوزوی انجام شده است و به گونه‌ای می‌توان آن را همچون پیشینه‌ی جستار قلمداد کرد؛ همایش‌های انگشت‌شماری است که به دست نهادهای حوزوی، درباره‌ی چالش‌های جمعیتی برگزار شده است. به راستی برگزاری این نشست‌ها و

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَيَّ أَوْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يُعْصِبْنَكَ فِيمَعْرُوفٍ فَبَايَعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ ای پیامبر، هرگاه زنانی که ایمان آورده‌اند نزد تو آیند که با این شرایط با تو بیعت کنند که هیچ چیزی نه بُت و نه غیر آن را شریک خدا قرار ندهند و از مال هیچ کس نه مال همسرانشان و نه مال دیگران دزدی نکنند و آشکارا و نهانی مرتکب زنا نشوند و به هیچ وجه فرزندانشان را نکشند و فرزند دیگران را که میان دست و پای خود بر زمین می‌نهند، به دروغ از شوهران خود نخوانند و در هیچ کار پسندیده‌ای که به آن فرمان می‌دهی، تو را نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و آمرزش گناهانشان را از خدا بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است (ترجمه تفسیر المیزان).

آیین‌ها تنها موارد واکنش نهادی از سوی سازمان حوزه‌های علمیه، در چالش‌های جمعیتی طی دهه‌ی گذشته بوده است.

اولین همایش با عنوان «تغییرات جمعیتی و نقش آن در دگرگونی‌های مختلف جامعه» در نهم آبان ۱۳۹۲ در مؤسسه‌ی آموزشی پژوهشی امام خمینی قم برگزار شده است. این همایش نزدیک به چند ماه پیش از ابلاغ سیاست‌های جمعیتی کشور برگزار شد که رهبری معظم به گونه‌ای برجسته نیز در آن پیام ویژه داشته‌اند و نیز آنکه علما و دانشمندان حوزوی در آن به سخنرانی و بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند.

کشگری دیگر از این دست با عنوان «شورای راهبردی جمعیت» است که با همکاری برخی نهادهای حوزوی، دو نشست درباره‌ی سیاست‌های جمعیتی در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ برگزار کرده است.

روی هم رفته با آنکه نگرش بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران داخل کشور به ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی به بررسی پیوند آموزه‌های دینی با جمعیت بوده، گویا مجموع این پژوهش‌ها از دو سو دارای خلأ و سستی بوده است. اول از دیدگاه جامعیت این پژوهش‌ها به اینکه بیشتر این پژوهش‌ها، نوشتارها و کتب بر روی مؤلفه باروری و موافقت یا مخالفت با افزایش جمعیت متمرکز بوده است؛ به گونه‌ای که در عمل، گونه‌ای ناآگاهی از کارآمدی نهادی دین بر دیگر مؤلفه‌های جمعیتی قابل نگرستن است. دوم از دیدگاه سطح تحلیلی است که پژوهشگران و نویسندگان به آن پرداخته‌اند؛ به گونه‌ای که همه‌ی این تکاپوها به دست افراد و اشخاص حوزوی و بیشتر در سطح تحلیل رفتارهای خُرد بوده است و جسته گریخته به سطوح ساختی و نهادی دین بر مقولات جمعیتی نگریسته‌اند. افزون بر آن مطالعات و یا کنشگری‌های سازمانی در این جستار، بسیار اندک بوده است.

ظرفیت‌های نهادی و بخشی حوزه‌های علمیه

نهاد اجتماعی عبارت است از دستگاه سازمان‌یافته‌ای از پیوندهای اجتماعی که دربرگیرنده‌ی ارزش‌ها و رویه‌های عمومی معینی است و نیازهای اساسی برجسته‌ای از جامعه را برآورده می‌سازد. نهادها در خلأ عمل نمی‌کنند؛ بلکه جزئی از کل جامعه و فرهنگ آن بوده و با دیگر نهادها، پیوندها و کنش‌های دوسویه دارند. فهم یک نهاد، شایسته‌ی بررسی پیوندهای آن با دیگر اجزای جامعه و فرهنگ است. نهادهای اجتماعی، بنیانگذار شناخته شده و معینی ندارند؛ زیرا بر پایه‌ی نیازهای جامعه در درازنای زمان شکل گرفته‌اند. آنچه سامان نهادهای اجتماعی را برآورده می‌سازد، مقبولیت هنجارها و آداب آن، نزد کنشگران آن نهاد است. یکی از مفاهیم نزدیک به نهادها، سازمان‌های رسمی هستند که بر اساس ضوابط و هنجارهای از پیش تعریف شده و با اراده‌ی افراد شناخته شده و انگشت‌شماری بنا نهاده می‌شوند. پیوندها و بندهای درون سازمان‌ها بر پایه‌ی قانون رسمی است و رده‌بندی حقوقی



ویژه‌ای بر آنها حاکم است (علاقه‌بند، ۱۳۹۴).

در تاریخ جوامع اسلامی و شیعه، حوزه‌های علمیه بی‌گمان گونه‌ای نهادی اجتماعی بوده‌اند که الگوهای هنجاری و تعاملی خود را در طی سده‌های پیاپی بر اساس نظام باورها و ارزش‌های اسلامی در ساختار فرهنگی این جوامع استوار کرده‌اند. پیوندها و وابستگی‌های میان عالمان و اساتید حوزه با طلاب، بدون وجود ساختارهای حقوقی و قانونی سامان یافته بود و مهم‌ترین کارکرد مورد انتظار از نهاد حوزه، تربیت عالمان و مبلغان دینی برای گسترش معارف اسلامی بود، با اینکه فقدان ساختار سازمانی رسمی، به شکل پذیرفتنی انجام می‌گرفت. به راستی در گذشته سازمانی رسمی همچون مدیریت برای حوزه‌های علمیه تعریف نشده بود و مراجع با کمترین هزینه‌های تشکیلاتی، در کنار برآوردن نیازهای مادی حوزه، صیانت آن را از آسیب‌ها و حرکت به سوی تحقق آرمان‌ها بر عهده داشتند. برآیند اینکه جایگاه و رهیافت قدرت زعیم حوزه‌ی علمیه برخاسته از یک سامانه‌ی رسمی و قراردادی میان افراد نبود؛ بلکه بر پایه‌ی همان آداب و رسوم پذیرفته شده میان طلاب و اساتید حوزه‌ی علمیه بود. با رخداد انقلاب اسلامی ایران و دگرگونی‌های اجتماعی و به ویژه جابجایی در ساختارهای قدرت، حوزه‌های علمیه و روحانیون از گونه‌ای جایگاه برجسته در ایران برخوردار شدند؛ به گونه‌ای که ساز و برگ نهادی حوزه‌ها به ساختارهای سازمانی رسمی و در چارچوب «مدیریت حوزه علمیه‌های کشور» تبدیل شده است. «پدید آمدن سازمان مدیریت درون نهاد حوزه به معنای آن نیست که همه‌ی مناسبات حوزه‌های علمیه را بتوان در چارچوب قانون‌گذاری رسمی سازمان‌دهی کرد. بخش درخور نگرشی از آداب رفتاری و دستگاه‌های علمی حوزه، کماکان در ساختار غیررسمی و غیرمتمرکز نهاد حوزه‌گزینش و پابرجا می‌شود» (حاج سیدجوادی، ۱۳۹۵).

امروزه بر پایه‌ی کارکردهای بنیادی نظام حوزه، ساختار سازمانی این نهاد از سه بخش بنیادین آموزش، تبلیغ و تحقیق تشکیل یافته است که افزون بر انجام وظایف نهادی خود، به شکلی اندام‌وار با یکدیگر در تعامل هستند.^۱ در اینجا به چکیده‌ای از ویژگی‌های گنجایشی هرکدام از این بخش‌ها، هماهنگ با این پرسمان اشاره می‌شود.

۱. بخش آموزش

یکی از آرمان‌های بنیادین در سازمان روحانیت، پرسمان شناخت مبانی و آموزه‌های دینی و نیز آموزش و تعلیم و تربیت مدرسان و مبلغان در علوم و معارف اسلامی بوده است. گرایش این تربیت و آموزش به گونه‌ای است که طلاب و دانش‌پژوهان در آینده بتوانند همچون مبلغ دینی، احکام و پرسمان

۱. البته بخش مالی و اقتصادی حوزه‌های علمیه نیز اهمیت ویژه‌ی خود را دارد؛ ولی به سبب پیوندی که با پرسمان این نوشتار پیدا نمی‌کند، از طرح آن خودداری می‌شود.

دینی و مذهبی را به مردم برسانند و همچنین در علوم و معارف اسلامی تدریس و پژوهش کنند. روشن است در کنار آموزش‌های درسی مرسوم حوزویان، آن چیزی که مایه‌ی جداسازی آن با دیگر نهادهای آموزشی می‌شود، نگرش و تأکیدی است که در این دستگاه بر تهذیب نفس و فراگیری بنیادهای اخلاقی و معنوی می‌شود. به راستی چگونگی فراگیری و آموزش‌های حوزوی، کارایی مستقیمی بر تبلیغ و تحقیق دارد.

ویژگی برجسته‌ی دیگری که در نظام آموزش حوزه دارای ارزش محوری است که دروس فقه و اصول در طی دوران طولانی تحصیلی برای هویت حوزوی طلاب دارد؛ به گونه‌ای که شاخه‌های دیگر علوم اسلامی، بسته به این در حالت جنبی و حاشیه‌ای پیدا می‌کنند. به گونه‌ای بهنجار بخشی از دگرگونی‌های نظام آموزشی حوزه در دهه‌های نه چندان دور، بر پایه‌ی دگرگونی‌هایی بوده است که نخست در شیوه‌ی طرح مبانی و اصول فقه و دوم در موضوع‌یابی در سطوح عالی درس فقه که به «سطح درس خارج» مشهور است و در چارچوب طرح پرسمان‌های تازه با عنوان «مسائل مستحدثه» بوده است. در همین تراز از آموزش‌های حوزوی است که انتظار می‌رود، چالش‌های جمعیتی در چارچوب «فقه جمعیتی» امکان طرح و گفتار پیدا کند.

از نگرش کمی نیز حوزه‌های علمیه افزون بر گسترش آموزش طلاب در داخل کشور، به تربیت دانش‌پژوهان نزدیک به شصت کشور دیگر، در چارچوب سازمانی بنام «جامعه المصطفی العالمیه» دست‌اندرکار هستند. گفتنی است شمار طلاب شاغل به تحصیل کشور در پیش از انقلاب اسلامی، نزدیک به پانزده هزار نفر بودند که بیشترشان در مدارس علمیه‌ی شهرهای بزرگ مذهبی ایران و گاهی در عراق تحصیل می‌کردند. این شمارگان هم‌اکنون به بیش از دویست هزار نفر در چارچوب چهارصد مدرسه در سراسر کشور رسیده است. افزون بر این در رده‌های تحصیلات عالی با مراکز آموزشی نوینی روبرو هستیم که از یک سو دارای ماهیت و هویت حوزوی و از سوی دیگر دارای ساختار اداری و آموزشی - دانشگاهی هستند. این مؤسسات که نزدیک به سی مرکز در کل کشور با آمیزه‌ای از سامانه‌های آموزشی حوزوی و دانشگاهی به تربیت طلاب کارآموده در مقاطع کارشناسی تا دکتری، در برخی رشته‌های علوم انسانی دست‌اندرکار هستند. دانشگاه‌هایی همچون باقرالعلوم، ادیان و مذاهب، مفید در قم و دانشگاه رضوی در مشهد، نمونه‌هایی از این گونه مراکز آموزشی حوزوی هستند که زمینه‌ی راه‌اندازی رشته‌های جمعیت‌شناسی بر پایه‌ی دیدگاه‌های دینی در آنها فراهم است.

۲. بخش تبلیغ

بی‌گمان، تبلیغ از مهم‌ترین شئون حوزه‌ی علمیه است و برجسته‌ترین نقش را در گسترش آموزه‌های دینی داشته است. دگرگونی‌های پس از انقلاب اسلامی مایه‌ی دگرگونی‌های کمی و کیفی فرآیند تبلیغ در ایران شده است؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون دست‌کم هشتاد هزار نفر مبلغ در سرتاسر کشور از راه



سامانه‌های وابسته به شکل شبکه‌ای با هم پیوند دارند. به راستی رشد سریع فن‌آوری اطلاعات و به‌کارگیری آن در تبلیغات دینی در دو دهه‌ی گذشته، همچون مهم‌ترین سازه‌ی دگرگونی در سطح جامعه تبلیغی تلقی می‌شود. یکی از برآیندهای این شبکه‌سازی، امکان بسیج مبلغین برای طرح پرسمان‌های بایسته در حوزه‌ی تبلیغ معارف اسلام بوده است. این شبکه به اشکال گوناگونی در کشور به انجام نقش تبلیغی سرگرم است که به نکات برجسته‌ی آن اشاره می‌شود:

- (۱) حضور روزانه در بیشتر مساجد و پیوند مستقیم با لایه‌های گوناگون مردم.
 - (۲) برگزاری نمازهای جمعه در نزدیک به ۹۵۰ شهر بزرگ و کوچک.
 - (۳) حضور در بسیاری از ادارات و نهادهای کشور.
 - (۴) شرکت در برنامه‌های مذهبی در رسانه ملی.
 - (۵) برگزاری آیین‌های سخنرانی در چندین ایام برگزیده و مناسبت‌های ویژه در طول سال که پوشش کمابیش گسترده‌ای از مردم را در برمی‌گیرد.
 - (۶) حضور کمابیش گسترده در فضاها و مجازای و اشکال گوناگون تبلیغات در سطح وب.
- برآیند این پویایی ایجاد گونه‌ای گنجایش بی‌همتا برای حوزویان و مبلغین است که از راه آن با همه‌ی لایه‌های اجتماعی مردم در شهرها و روستاها، به شکل مستقیم و رو در رو در پیوند می‌باشند. با این دیدگاه، از تبلیغ همچون رسانه منبر یاد می‌شود. «به راستی منبر یک سامانه‌ی ساز و برگ یافته‌ی رسانی و جداسازی با این دید که پیوند از راه منبر، ارزش گروه ابتدایی و شخصی را نداشت، به همان سان کنشگری خود بخودی نیز نبود. در مکان و زمان معین برگزار می‌شد و برابر با معیارهای دستوری مؤسساتی بود» (فتحی، ۱۳۸۵: ۳۷).

۳. بخش تحقیق و پژوهش

امروزه انگاره‌ی یک نظام آموزشی کامل، بدون بخش پژوهش کمابیش نشدنی است. پژوهش در حوزه‌های علمی، همزاد تحصیل و تدریس بوده و یکی از ابزارهای بایسته‌ی پیشرفت علمی و فرهنگی حوزه‌ها به شمار می‌آمده است. هرچند چیستی روش‌ها و فرآیندهای پژوهشی حوزه در گذشته به شکل سنتی و فردی (روش اجتهادی) بوده است؛ ولی با دگرگونی‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران با رویکرد بسیار زیادی در میان حوزویان به گفتگوهای روش‌شناختی و به ویژه نهادسازی پژوهشی روبرو بوده‌ایم. برآیند این رویکرد طی دست‌کم سه دهه‌ی گذشته ورود پویا و کارآمد بسیاری از حوزویان به پرسمان‌های جدید از راه به‌کارگیری روش‌های جدید پژوهش علوم انسانی از یک سو و بنیان نهادن مراکز پژوهشی گوناگون در چارچوب پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های مستقل در حوزه‌های تخصصی و مشترک دین و علوم انسانی بوده‌ایم. هم‌اکنون نزدیک به شش پژوهشگاه رسمی حوزوی، دوازده پژوهشکده و مجمع تخصصی و مستقل و همچنین ۶۲ مؤسسه‌ی غیرانتفاعی و بنیاد پژوهشی در



ساختار حوزه علمیه دست‌اندرکار کنشگری هستند. در این مراکز نزدیک به ۴۴ مجله با رتبه‌ی علمی- پژوهشی و سی مجله با رتبه‌ی علمی- ترویجی در حال انتشار است.^۱

در کنار این مراکز باید به بایستگی تدوین پایان‌نامه پژوهشی به دست طلاب برای فارغ‌التحصیلی در دو سطح ۳ که هم‌ارز کارشناسی ارشد و سطح ۴ که هم‌ارز دکتری است اشاره کرد. این پایان‌نامه‌ها نیز گستره گوناگونی از جستارهای بین رشته‌ای فقه و اصول و علوم انسانی را در برمی‌گیرد و در صورت توجه، گنجایش طرح پرسمان‌های جمعیت‌شناسی را نیز دارد.

روی هم رفته گویا هماهنگ با گنجایش فرهنگی حوزه‌های علمیه در ایران و به انگیزه‌های روشنی که این نهاد نقش بی‌همتا و سترگی در فرهنگ‌سازی جامعه ایران دارد، دستگاه‌ها و نهادهای مدیریتی که سرپرست پیگیری پرسمان جمعیتی در کشور هستند، با این همه زمینه‌های سازگار نتوانسته‌اند از این گنجایش بهره‌گیری بایسته و کارآمد داشته باشند.

موانع انجام نقش کارآمد نهاد حوزه در اجرای سیاست‌های جمعیتی

با نگرشی به گستردگی سیاست‌های جمعیتی ابلاغی و رویه‌های گوناگون اجرایی و عملیاتی آن، گویا به سرانجام رساندن آرمان‌های این سیاست‌ها، سزاوار گونه‌ای همکاری و هم‌افزایی همی دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی وابسته در کشور است و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی همچون دست‌اندرکار آغازین و مستقیم اجرای این سیاست‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در هماهنگ‌سازی، تهیه و اجرای یک برنامه‌ی مدون برای جلب مشارکت همی دستگاه‌ها و نهادهای کارآمد، هماهنگ با حوزه‌ی وظایف و گنجایش آنها داراست. روشن است که میزان این مشارکت، پیوند مستقیمی با چگونگی توجیه و اقتناع کارشناسان، صاحب‌نظران و کارآزمودگان در سطح وزارتخانه‌های بهداشت و علوم در بایستگی ورود همه‌جانبه برای برنامه‌ریزی و اجرای این سیاست‌ها دارد. همان گونه که می‌دانیم آرمان پایانی اجرای سیاست‌های جمعیتی چیزی جز افزایش کیفیت‌های جمعیت موجود و تحقق توسعه‌ی پایدار در کشور نیست. بر پایه‌ی برخی از دیدگاه‌های نه‌چندان دور، متغیرهای جمعیتی به ویژه میزان افزایش یا کاهش جمعیت به تنهایی نمی‌توانند در تبیین میزان توسعه و پیشرفت جوامع نقش داشته باشند. بر پایه‌ی دیدگاه ورل هرست^۲ که در رویارویی با نگرش مالتوسی به رشد جمعیت است، آنچه به راستی در راه رشد و پیشرفت کشورها کارآمد است، وجود کارایی و کافی نهادهای حاکمیتی و شیوه‌ی عملکرد دستگاه‌های وابسته با آنها در تربیت و به‌کارگیری نخبگان علمی درباره‌ی جمعیت

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: سایت معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه‌ی کشور به آدرس:

<http://pazhuhesh.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=16&fkeyid=&siteid=16&pageid=18195>

2. Verl Hurst



است؛ بنابراین رشد یا کاهش جمعیت به گونه‌ای ناب، کارایی بسیاری بر چگونگی رفاه انسانی و شاخص‌های توسعه پایدار در جوامع ندارد و مشکلاتی که به جمعیت نسبت داده می‌شود، برآمده از فقدان و یا عملکرد سست این نهادها در جامعه است (دلالی اصفهانی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۱-۹۱). در یک واکاوی منطقی، به سرانجام رسیدن آرمان‌های توسعه‌ای یک برنامه وابسته به آگاهی نسبی از چالش‌هایی است که مانع اجرای برنامه می‌شوند. در پرسمان این نوشتار که بهره‌برداری کارآمدتری از گنجایش فرهنگی و نهادی نظام حوزه‌ی علمیه در اجرای سیاست‌های جمعیتی کشور است؛ چنانچه به موانع موجود موشکافی نشود، در عمل نمی‌توان چشم به راه دگرگونی‌های درخوری از این سو بود. در اینجا به بخشی از این موانع هماهنگ با سرتاسر نظام حوزه و بخش‌های وابسته به آن اشاره می‌شود:

بخش کلی نظام حوزه

۱. نبود پیوند روشن و کارآمد زیر بخش‌های حوزه با مراکز علمی و اجرایی وابسته به پرسمان‌های جمعیتی.
۲. ناآگاهی از پیامدهای فرهنگی انفعال نظام حوزه در پرسمان‌های جمعیتی کشور و جهان اسلام.
۳. برخورد کلیشه‌ای، رویه‌ای و کران‌مند با چالش‌های جمعیتی کشور.

بخش آموزش

۱. نمایان نبودن ارزش آگاهی‌ها و پژوهش‌های جمعیتی در نظام آموزش حوزه.
۲. نبود حضور دیدگاه‌های جمعیت‌شناختی در آموزش‌های مرسوم حوزه.
۳. خلأ متون آموزشی حوزوی درباره‌ی کلیات پنداره‌ها و دیدگاه‌های جمعیتی در دیدگاه اسلام.
۴. نبود بهره‌گیری درخور از پژوهش‌های نیازسنجی و رصدهای آینده‌پژوهی برای پیشرفت آموزش‌های دینی جمعیت در ایران و جهان اسلام.
۵. نبود انگیزه و اشتیاق بایسته برای ورود به گفتگوهای جمعیتی در رویه‌ی اجتماعی و فردی حوزه.
۶. ناآگاهی از دیدگاه‌های دانشمندان و علمای دینی درباره‌ی مؤلفه‌های جمعیتی در دوره‌های گوناگون.
۷. نگاه تقلیل‌گرایانه به سهم آموزه‌های دینی (افزایش یا کاهش جمعیت) در پژوهش‌های جمعیتی دینی.

۸. فقدان نگاه‌های کارشناسی در تبیین مواضع دینی در پرسمان امروزین جمعیتی.

بخش پژوهش

۱. نبود معرفی جامع از دیدگاه‌های جمعیتی در قرآن کریم.
۲. کمبود برنامه‌های پژوهشی مطالعات جمعیتی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام.
۳. پیچیدگی در شیوه‌ی به‌کارگیری از متون روایی و علوم دینی برای پژوهش‌های جمعیتی.



۴. نبود سیاست‌گذاری و شناسایی منابع پژوهشی در شناسایی و معرفی دیدگاه‌های جمعیتی اسلام.
۵. نبود معرفی جامع از دیدگاه‌های جمعیتی اهل بیت علیهم‌السلام.
۶. ناآگاهی از چالش‌های جمعیتی در کشور و جهان اسلام.
۷. سستی روش تحقیق در نظام حوزه برای ورود به پژوهش‌های جمعیتی دینی.
۸. کمبود پژوهش‌های بین‌رشته‌ای دینی و جمعیت‌شناسی.
۹. نبود شناسایی و واکاوی کارآمدی متغیرهای دینی در مؤلفه‌های جمعیتی.

بخش تبلیغ

۱. نبود آگاهی کامل از پرسش‌ها، شبهات و پاسخ‌های درخور وابسته به پرسمان جمعیتی در اسلام.
۲. کمبود دیدگاه روشن درباره‌ی الگوهای گوناگون جمعیتی در دیدگاه اسلامی.
۳. بی‌توجهی به هم‌گرایی مذهبی در سیاست‌های جمعیتی کشور.
۴. بی‌توجهی به تولید محتوای خواسته شده‌ی مبلغان، درباره‌ی دیدگاه‌های دینی در پرسمان جمعیتی.
۵. ناآشنایی با تجربیات اجرای سیاست‌های جمعیتی در دیگر کشورها به ویژه جوامع اسلامی.
۶. نبود به‌کارگیری گنجایش مشاهده‌ای مبلغان در مناطق تبلیغی برای نگرش شاخص‌های جمعیتی.

زمینه‌های فرهنگی نقش‌آفرینی نظام حوزه در سیاست‌های جمعیتی کشور

همان گونه که یادآوری شد، به سرانجام رسیدن بخشی از آرمان‌های سیاست‌های جمعیتی کشور سزاوار اجرای برنامه‌های فرهنگی به دست نهادهای ذی‌ربط در این باره است. از آنجا که از اساس، نهاد حوزه‌های علمیه نهادی فرهنگی و آموزش‌تلقی می‌شود، در اینجا با طرح و بررسی سیاست‌های جمعیتی ابلاغی مقام رهبری به دستگاه‌های وابسته به نکاتی که پنداشته می‌شود، نهاد حوزه می‌تواند ایفای نقش کارآمدی داشته باشد، در پایین هر بند اشاره می‌شود. قابل‌بازنمود است که یادآوری این نکات بیشتر از سویی همسانی جستار بوده و لزوماً منحصر در آنها نیست، افزون بر اینکه دیگر نهادهای فرهنگی نیز می‌توانند در این سوکنشگر باشند و به هم‌افزایی راسخ‌های یاد شده کمک نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم با عنایت به اهمیت مقوله‌ی جمعیت در اقتدار ملی؛ و با نگرش به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور همچون یک فرصت و امتیاز؛ و در راستای جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ می‌گردد. با در نظر داشتن نقش ایجابی سازه‌های جمعیت در پیشرفت کشور، بایسته است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور هماهنگ با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین بایسته است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذی‌ربط در این زمینه، اقدامات بایسته با آگاهی، سرعت و قوت صورت گیرد و برآیند رصد پیوسته‌ی



اجرای سیاست‌ها، گزارش شود. سیدعلی خامنه‌ای. ۳۰ اردیبهشت/۱۳۹۳

الف) گنجایش‌سنجی بخش‌های گوناگون نهاد حوزه در اجرای سیاست‌های جمعیتی و ابراز آن به دستگاه‌های ذی‌ربط.

ب) همفکری و ابراز آمادگی نهاد حوزه برای مشارکت در اجرای سیاست‌های جمعیتی با دستگاه‌های مسئول.

سیاست‌های کلی جمعیت

۱. پیشرفت پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از رویه‌ی جانشینی. الف) فرهنگ‌سازی هدفمند و کارآمد برای فرزندآوری به اقتضای زیستگاه‌های اجتماعی گوناگون در جامعه.
۲. رفع موانع ازدواج، تسهیل و گسترش تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در برآوردن هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد. الف) فرهنگ‌سازی در برانگیختن به ازدواج، به فراخور گروه‌های هدف گوناگون در جامعه. ب) انجام پژوهش‌های جامع در راستای تبیین مو به موی موانع و دیرکرد ازدواج در جامعه ایران. ج) انجام پژوهش‌های جامع در راستای شناخت راه‌های گسترش فرهنگ ازدواج بر پایه‌ی تجارب موفق دیگر کشورها. د) تلاش برای هنجارسازی حمایت‌های مادی و معنوی در تسهیل ازدواج دیگران از راه مؤلفه‌های دینی همچون وقف، امور خیریه و... ه) تلاش دوجندان برای پیشرفت فرهنگ تربیت فرزند بر پایه‌ی منابع دینی و هنجارسازی آن در تراز جامعه.
۳. اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره‌ی بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط. الف) فرهنگ‌سازی مناسب برای ارزش معنوی و دینی به دوران بارداری و شیردهی زنان. ب) فرهنگ‌سازی در راستای پیشرفت جایگاه اجتماعی و دینی اشتغال بانوان به کارهای تربیتی فرزندان و خانه و خانواده. ج) انجام پژوهش‌های جامع در راستای شناخت موانع ایفای کارآمدی نقش‌های مادرانه در میان زنان ایرانی.

۱. خطوطی که با گونه‌ی ناهمسانی از متن جدا شده‌اند، متن آغازین سیاست‌های ابلاغی می‌باشند.



۴. تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره‌ی اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و نشان دادن خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در راستای سلامت باروری و فرزندآوری.

الف) پژوهش‌های جامع آسیب‌شناسی خانواده در دهه‌های واپسین جامعه‌ی ایران.
ب) تهیه‌ی برنامه‌ی جامع برای فرهنگ‌سازی تحکیم خانواده بر پایه‌ی دگرگونی‌های ساختاری جامعه ایران و با مشارکت دیگر نهادهای فرهنگی کشور.

ج) بنیان‌گذاری و راه‌اندازی واحدهای مشاوره‌ای پویا در زمینه‌ی رفع ناسازگاری‌های خانوادگی در زیستگاه‌های تبلیغی و از راه رسانه‌ای گوناگون.

د) نمایاندن آموزش‌های بایست و کارآمد به مبلغین مذهبی در راستای تحکیم و رفع ناسازگاری‌های خانوادگی و بهره‌گیری درخور از فضاهای مجازی.

هـ) پژوهش‌های جامع برای شناسایی و شیوه‌ی کارایی منفی فضاهای رسانه‌ای بیگانه، بر پیوندهای خانوادگی سالم.

۵. گسترش و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و رویارویی با ابعاد ناپسند سبک زندگی غربی.

الف) پژوهش‌های آسیب‌شناسی پیرامون سازه‌های گرایش جامعه‌ی ایران به سبک‌های زندگی غیر بومی.

ب) انجام پژوهش‌های جامع درباره‌ی سبک زندگی ایرانی-اسلامی و راه‌های هنجارسازی آن در جامعه‌ی ایران.

۶. بالا بردن امید به زندگی، برآوردن سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه اعتیاد، رویدادهای ناگوار، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بیماری‌ها.

الف) فرهنگ‌سازی کارآمد و بر پایه‌ی منابع دینی در راستای شایستگی زیست فردی و اجتماعی سالم و راه‌های دستیابی آن.

ب) نمایاندن آموزش‌های بایسته به مبلغین دینی برای شناخت و واکنش کارآمد بسته به آسیب‌های برجسته‌ی اجتماعی.

ج) پژوهش‌های جامع در راستای شناخت و معرفی مواضع دینی نسبت به سویه‌های گوناگون محیط زیست.

د) تلاش برای بازسازی فرهنگ جامعه و هنجارسازی درخور، بسته به پرمسلمان‌های زیست محیطی.



۷. فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط بایسته برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی ساز و کار بایسته برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های شایسته.

الف) پژوهش‌های جامع درباره‌ی آسیب‌شناسی پیوندها با سالمندان در ایران و تبیین راه‌های بهبود آن.

ب) برنامه‌ریزی برای حضور کارآمد مبلغین دینی در مراکز نگهداری سالمندان.

ج) تلاش برای بالا بردن فرهنگ بر پایه‌ی منابع دینی، پیوند و تکریم سالمندان در زیست‌گاه‌های خانوادگی و خویشاوندی.

۸. توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و بازسازی، تقویت و سازگار کردن دستگاه‌های تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی حرفه‌ای و کارشناسی با نیازهای جامعه و استعدادها و وابستگی‌های آنان در راستای ایجاد اشتغال کارآمد و مولد.

الف) انجام پژوهش‌های جامع پیرامون آسیب‌شناسی فرهنگ کار و اشتغال در جامعه‌ی ایران.

ب) فرهنگ‌سازی بر پایه‌ی منابع دینی برای بازسازی و تقویت فرهنگ کار در جامعه.

۹. باز توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، هماهنگ با گنجایش زیستی با تأکید بر فراهم کردن آب با انگیزه‌ی توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی.

۱۰. حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی به ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان از راه توسعه‌ی شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی.

الف) فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌های ذهنی درخور برای ایجاد تمرکزهای بایسته‌ی جمعیت‌های پراکنده و بهره‌گیری بهینه از مواهب خدادادی و امکانات بهتر رفاهی.

۱۱. مدیریت مهاجرت به داخل و خارج، هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت با تدوین و اجرای ساز و کارهای شایسته.

الف) انجام پژوهش‌ها و جامع برای شناخت سازه‌های مهاجرت‌های داخلی و حاشیه‌نشینی به منظور ورود پویای مبلغین در مهار کارآمدی منفی آن.

۱۲. تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از گنجایش و توانایی‌های آنان.

الف) انجام پژوهش‌های جامع در آسیب‌شناسی و سازه‌های مهاجرت‌های خارجی و تبیین پیامدهای منفی آن بر اساس منابع دینی.



ب) تبیین فرهنگ تساهل و مدارای دینی و توسعه‌ی فرهنگی برای ایجاد فضای درخور برای بازگشت ایرانیان مهاجر خارج از کشور.

۱۳. تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و بالا بردن وفاق و هم‌گرایی اجتماعی در پهنه‌ی سرزمینی به‌ویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور.
الف) فرهنگ‌سازی درخور برای کشش فرهنگی و ایجاد انگیزه برای بازگشت به وطن نسبت به ایرانیان خارج از کشور.

۱۴. رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد ساز و کار درخور و تدوین شاخص‌های بومی توسعه‌ی انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه‌ی انسانی.
الف) برنامه‌ریزی برای ژرفایش آگاهی‌های جمعیتی و عوارض مثبت و منفی آن در میان طلاب و حوزویان.
ب) ورود و شرکت فعالانه‌ی نهاد حوزه در مراکز تصمیم‌سازی جمعیتی کشور.

راهکارهای اجرایی برای ایفای نقش پویای نهاد حوزه در سیاست‌های جمعیتی کشور

با نظر داشت گنجایش یاد شده در بخش پیشین برای نهاد حوزه و همچنین یادآوری موانع موجود، تلاش خواهد شد تا هماهنگ با بخش‌های سه‌گانه کنشگری‌ها در نظام حوزه به برخی پیشنهادها راهبردی در این زمینه اشاره شود. دوباره یادآوری می‌شود نکات یاد شده به فراخور تجارب پژوهشی و اجرایی نویسنده و برای نمایاندن نمونه‌های عینی و سازش پرسمان با راستی‌نگی‌های جاری است و سنجش موشکافانه‌تر آنها سزاوار تشکیل کارگروه‌های ویژه در این زمینه خواهد بود.

۱- برگزاری رشته جلسات هم‌اندیشی درباره‌ی دشواری‌های جمعیتی کشور و جهان اسلام در سطوح گوناگون حوزه.

۲- چاره‌اندیشی برای ایجاد گونه‌ای هماهنگی بین بخش‌های حوزه‌ی علمیه و دستگاه‌های مسئول در اجرای سیاست‌های جمعیتی برای هم‌افزایی پیاپی کنشگری‌ها.

۳- تلاش برای طرح پرسمان‌های جمعیتی در دروس خارج حوزه با عنوان «فقه جمعیتی».

۴- تدوین نظام موضوعات از پرسمان‌های جمعیتی وابسته با نهاد دین، برای انجام پایان‌نامه‌های تراز سه و چهار حوزه‌های علمیه کشور.

۵- راه‌اندازی دوره‌های کوتاه‌مدت آشنایی با گفتگوهای بنیادین و چالش‌های جاری جمعیتی برای طلاب، مبلغان و امامان جمعه.

۶- پایه‌گذاری دبیرخانه‌ی دائمی و پویای چالش‌های جمعیتی در حوزه‌ی علمیه قم و همکاری و تعامل پیوسته با مراکز علمی پویا در حوزه‌ی پژوهش‌های جمعیتی کشور و تراپرد شایسته‌ی دستاوردهای آن به حوزه‌های علمیه کشور.

- ۷- همکاری با مراکز دانشگاهی و گروه‌های جمعیت‌شناسی کشور برای طرح گفتگوهای دینی وابسته با پرسمان‌های جمعیتی در چارچوب واحدهای ویژه آموزشی.
- ۸- همکاری با آموزش و پرورش برای افزودن نوشتارهای مفید جمعیتی بر پایه منابع دینی در متون درسی.
- ۹- تدوین چارچوبی برای همکشی و همکاری با نهادهای دینی پویا در پرسمان‌های جمعیتی دیگر کشورهای اسلامی.
- ۱۰- اجرای کلان پروژه‌های پژوهشی پرسمان‌های جمعیتی در قرآن و منابع دینی.
- ۱۱- تدوین متون آموزشی جمعیتی بر پایه منابع دینی برای مبلغین و طلاب سراسر کشور.
- ۱۲- برگزاری رشته نشست‌های علمی درباره پرسمان‌های مطرح شده در بندهای یازده تا چهارده سیاست‌های جمعیتی با شرکت نخبگان حوزوی و دانشگاهی و ترابرد و انتشار برآیندهای آنها.
- ۱۳- اطلاع‌رسانی نوبه‌ای در پرسمان‌های جمعیتی از راه کانال‌های رسانه‌ای و مجازی برای مدارس علمیه کشور.
- ۱۴- آموزش و به‌کارگیری مبلغان در زیستگاه‌های روستایی برای طرح‌های اجرایی و پژوهش‌های جمعیتی.
- ۱۵- طراحی و آماده‌سازی سالانه‌ی نوشتارهای بایسته درباره پرسمان‌های جمعیتی کشور و گنجانندن آن در بسته‌های تبلیغی و ره‌توشه‌ی مبلغان.
- ۱۶- طرح جزئی پرسمان‌ها و سیاست جمعیتی برای انجام پژوهش‌های نمونه‌ای در مؤسسات حوزوی.
- ۱۷- تلاش برای زمینه‌سازی پرسمان‌های جمعیتی در چارچوب نوشتارهای علمی در نشریات حوزوی.
- ۱۸- تلاش برای ترجمه‌ی آثار برگزیده و مفید در زمینه‌ی پژوهش‌های جمعیتی به ویژه نقش نهادهای دینی در پرسمان‌های جمعیتی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد به برخی از گنجایش‌های فرهنگی نادیده گرفته شده در اجرای سیاست‌های جمعیتی کشور پرداخته شود. یکی از این گنجایش‌ها، نظام نهادی حوزه‌های علمیه ایران است که به انگیزه‌های گوناگون دارای بخش‌های بسیار توانمند در پیگیری آرمان‌های این سیاست‌هاست که گویا طی چندین سال گذشته از ابلاغ این سیاست‌ها از سوی مقام رهبری، به آن پرداخته نشده است. این نهاد افزون بر دارا بودن ساز و برگ گسترده در ساختار رسمی و غیررسمی کشور، جزو نهادهایی است که آشکارا زیر نظر رهبری بوده و بدین سو جزو مخاطبین اصلی این



سیاست‌ها قلمداد می‌شود. به راستی از یک سو حساسیت بسنده برای ورود بخش‌های بنیادین آموزشی، تبلیغی و پژوهشی نظام حوزه به پرسمان‌های جمعیتی دیده نمی‌شود (که به نکات نادر از آن در بخش پیشینه اشاره شد) و از سوی دیگر برای بی‌اطلاعی و ناآگاهی از گنجایش این نهاد فرهنگی و آموزشی در میان مراکز و دستگاه‌های مسئول در اجرای سیاست‌های جمعیتی کشور، شاهد گونه‌ای انفعال و درنگ در به‌کارگیری توانمندی‌ها و گنجایش با فعل این نهاد هستیم. همه‌ی اینها در حالی است که بدانیم نظام حوزه‌های علمیه برای پیوند مستقیم با نهاد دین در جامعه ایران، در برخی نکات دارای گونه‌ای گنجایش بی‌همتا است که ایفای نقش کارآمد در آن زمینه، در عمل از عهده‌ی هیچ نهاد و دستگاه دیگری بر نمی‌آید. در هر روی این نوشتار تلاش بر شناساندن این گنجایش در کنار طرح چالش‌هایی که مانع نقش‌آفرینی در این زمینه می‌شوند را داشته است و نویسنده امید دارد قدمی کوچک در این راه مهم برداشته باشد.



منابع

۱. ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۷۴)، *اسلام و تنظیم خانواده*، قم، نشر فرهنگ اسلامی.
۲. حاج سید جوادی، سید فرید (۱۳۹۵)، *حوزه‌های علمیه؛ مدیریت سازمانی یا نهادی*، سایت تبیان به آدرس <https://article.tebyan.net/> اینترنتی.
۳. حسینی، حاتم (۱۳۸۶)، *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی- اجتماعی و تنظیم خانواده*، همدان، دانشگاه بوعلی.
۴. تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۹)، *جمعیت و تنظیم خانواده*، چاپ سوم، آیدین.
۵. دلالی اصفهانی، رحیم و رضا اسمعیل زاده (۱۳۸۵)، *کنکاشی بر نظریه جمعیت: با نگرش نهادی محدود*، مقاله‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۲- شماره‌ی پیاپی ۳، پاییز ۱۳۸۵، صص ۷۱-۹۶.
۶. زارع، سعید و حکیمه‌هاشمی (۱۳۹۲)، *تأثیر دین بر سیاست‌های جمعیتی و باروری*، مجله‌ی اسلام و علوم اجتماعی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۸۱-۹۵.
۷. شرف‌الدین، حسین و اسماعیل چراغی کوتیانی (۱۳۹۳)، *نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی*، معرفت فرهنگی و اجتماعی، سال ششم، شماره‌ی اول، پیاپی ۲۱، زمستان ۱۳۹۳، صص ۵۱-۷۸.
۸. صدر، محمدباقر (۱۳۵۰) *اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، جلد اول، ترجمه محمد کاظم موسوی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۹. علاقه‌بند، علی (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران، روان.
۱۰. فتحی، اصغر (۱۳۸۵)، *منبر یک رسانه عمومی در اسلام*، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه.
۱۱. فروتن، یعقوب (۱۳۹۴)، *بررسی جمعیت‌شناختی مسلمانان در جهان معاصر*، فصلنامه‌ی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۶۱-۹.
12. Akintunde MO, Lawal MO, Simeon (2013). Religious roles in fertility behavior among the residents of Akinyele local government, Oyo state, Nigeria, *International Journal of Economy, Management and Social Sciences* 2013; 2: 455-462.
13. Goldscheider, C., & Mosher, W. (1991). Patterns of contraceptive use in the United States: the importance of religious factors. *Studies in Family Planning*, 22(2), 102-115.
14. Kirk, Dudley (1966). *Factors Affecting Moslem Natality*. In Bernard Berelson (ed.) *Family Planning and Population Programmes: A Review of World Development*. Chicago: University Chicago Press.
15. Lopez, David E, & George Sabagh, 1978, "Untangling Structural And Normative Aspects Of The Nimority Status Fertility Hypothesis", *American Jornal Of Sociology*, v. 83, N. 6, p.1491-1497. (به نقل از: شرف‌الدین، ۱۳۹۳)
16. McQuillan K. *When does religion influence fertility?* *Population and Development Review* 2004; 30: 25-56.
17. Skirbekk V, Stonawski M, Fukuda S, Spoorenberg T, Hackett C, Muttarak R. Is Buddhism the low fertility religion of Asia? *Demographic Research*. 2015; 32: 1-28.